



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. اخلاق؛ رذائل اخلاق؛ تکبر و حسد
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مهدی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۶

آیا حدیث پیامبر مبنی بر تکبر ورزیدن در مقابل انسان متکبر سندیت دارد؟ همچنین لطفاً تفاوت تکبر و عزت نفس را با ذکر مثال در زندگی روزمره بیان کنید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

«تکبر» بر وزن «تفعل» از ریشه‌ی «کبر»، به معنای «خودبزرگ‌بینی» است و گاهی بر گفتار و رفتاری اطلاق می‌شود که از آن حکایت می‌کند و آن تنها برای کسی شایسته است که واقعاً بزرگ است و او کسی جز خداوند نیست؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَلَهُ الْكِبَرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾**^۱؛ «و بزرگی در آسمان‌ها و زمین برای اوست»؛ زیرا در آسمان‌ها و زمین تنها اوست که جامع همه‌ی صفات کمال در ذات خود است و تبعاً حق دارد که خود را بزرگ شمارد؛ چنانکه فرموده است: **﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ﴾**^۲؛ «او خداوندی است که جز او خدایی نیست، فرمانروای پاک بی‌عیب ایمنی‌بخش نگاهبان شکوهمند زورآور متکبر»؛ با توجه به آنکه پس از جمع همه‌ی این صفات کمال، خود را «متکبر» نامیده و با این وصف، هر کس جز او که خود را بزرگ می‌بیند، در توهم است؛ چراکه از سویی جامع همه‌ی صفات کمال نیست، بلکه به انواع نقص و عجز گرفتار است و از سوی دیگر هیچ صفت کمالی را از ذات خود ندارد، بلکه اگر کمالی نسبی دارد نیز از خداوند دارد و انتسابش به او مجازی است و از این رو، کسی که «متکبر» است، در واقع ردای خداوند را بر تن کرده و به معارضه با او برخاسته است و عاقبت چنین کسی جز جهنم نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾**^۳؛ «آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟» و از پیامبر روایت شده است:

۱. الجاثية / ۳۷

۲. الحشر / ۲۳

۳. الزمر / ۶۰

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَزْدَلٍ مِنْ كِبَرٍ»؛ «هر کس در دلش به اندازه‌ی یک دانه‌ی خردل کبر باشد وارد بهشت نمی‌شود» و این مبتنی بر اطلاق سخن خداوند در آیه‌ی پیشین و در آیه‌ی دیگری است که فرموده است: «ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»؛ «از دروازه‌های جهنم درآیید تا در آن جاودان بمانید که بد جایگاهی برای متکبران است»؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّهُمْ رَوَوْا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبَرِ! قَالَ: صَدَقُوا! قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ»^۱، قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ مُؤْمِنًا! قَالَ: لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبَرِ»^۲؛ «به منصور گفتم: آن‌ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کنند که فرمود: هر کس در دلش به اندازه‌ی دانه‌ای کبر باشد وارد بهشت نمی‌شود! فرمود: راست می‌گویند! >گفته می‌شود: از دروازه‌های جهنم درآیید تا در آن جاودان بمانید، پس بد جایگاهی برای متکبران است<، گفتم: سبحان الله! اگر چه مؤمن باشد؟! فرمود: کسی که در دلش به اندازه‌ی دانه‌ای کبر باشد، مؤمن نیست!».

از این روست که خداوند ابلیس را به سبب تکبرش از آسمان بیرون کرد؛ چراکه هر کس در دلش تکبری باشد در آسمان جایی ندارد؛ چنانکه فرموده است: «قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ»^۳؛ «فرمود: فرود آی از آن؛ زیرا تو را نمی‌رسد که در آن تکبر کنی، پس بیرون شو که تو از فرومایگان هستی»، بل این تکبر بود که ابلیس را از هم‌نشین فرشتگان به شیطان تبدیل کرد و با این وصف، هر کس که متکبر باشد، شیطانی بالفعل یا بالقوه است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَالَ الْمَنْصُورُ لِلنَّاسِ وَهُوَ يَعْظُمُهُمْ: إِنَّ مِنْكُمْ شَيَاطِينَ، أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيَاطِينِكُمْ؟! قَالُوا: بَلَى، قَالَ: الْمُتَكَبِّرُونَ»^۴؛ «منصور در حالی که مردم را پند می‌داد به آنان فرمود: هرآینه از شما شیاطینی هستند، آیا شما را به شیاطین‌تان خبر ندهم؟ گفتند: چرا، فرمود: متکبران!».

۱. مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۶، ص ۲۴۹؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۴۵۱، ج ۲، ص ۲۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۹۷؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۶۷؛ سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ الکافی للکلینی، ج ۲، ص ۳۱۰؛ معانی الأخبار لابن بابویه، ص ۲۴۱
۲. غافر / ۷۶
۳. الزمر / ۷۲
۴. گفتار ۱۰۶، فقره ۱
۵. الأعراف / ۱۳
۶. گفتار ۱۰۶، فقره ۲

همچنانکه یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّ فِي مَسْجِدِنَا عَالِمًا كَثِيرَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَلَوْلَا أَنَّهُ مُتَكَبِّرٌ لَدَعَوْتُهُ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ، قَالَ: دَعُهُ فَإِنَّ الْمُتَكَبِّرَ شَيْطَانٌ وَإِنْ عَبْدَ اللَّهِ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ»^۱؛ «به منصور گفتم: در مسجد ما عالمی است که بسیار اهل نماز و روزه است و اگر نه این بود که متکبر است او را به این کار دعوت می‌کردم، فرمود: رهایش کن؛ چراکه متکبر شیطان است اگرچه خدا را شش هزار سال عبادت کرده باشد!».

از اینجا دانسته می‌شود که «تکبر» در کتاب خداوند مطلقاً جایز نیست؛ خصوصاً با توجه به اینکه مستلزم استضعاف و تحقیر دیگران است؛ زیرا کسی که خود را بزرگ می‌پندارد، در واقع دیگران را کوچک می‌بیند و این در حالی است که ممکن است نزد خداوند از او بزرگ‌تر باشند؛ چنانکه فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ»^۲؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! گروهی از شما گروهی دیگر را تمسخر نکنند؛ چراکه ممکن است بهتر از آنان باشند و نیز زنانی زنان دیگر را؛ چراکه ممکن است بهتر از آنان باشند»؛ مانند ابلیس که خود را از آدم علیه السلام بهتر پنداشت و گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»^۳؛ «من از او بهترم، من را از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی»، در حالی که آدم علیه السلام نزد خداوند از او بهتر بود.

با این حال، ورام بن ابی فراس (د. ۶۰۵ق) در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است که فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْ أُمَّتِي فَتَوَاضَعُوا لَهُمْ وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُمْ مَذَلَّةٌ وَصَغَارٌ»^۴؛ «هرگاه متواضعان امت مرا دیدید برای آنان تواضع کنید و هرگاه متکبران را دیدید در برابر آنان تکبر کنید؛ چراکه این برای آنان خواری و حقارت است» و این دلالت بر جواز تکبر در برابر متکبران دارد، جز آنکه روایتی واحد و بسیار ضعیف است، بل فتنی (د. ۹۸۶ق) آن را در تذکره الموضوعات^۵ و سبکی (د. ۷۷۱ق) آن را در ذیل روایاتی آورده است که سندی برای آن‌ها یافت نمی‌شود، هر چند می‌توان معنای آن را صحیح دانست؛ زیرا «تکبر» در برابر متکبران، از یک سو سبئه‌ای در برابر سبئه‌ای مانند آن است که بنا بر کتاب خداوند جایز است؛ چنانکه فرموده است: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»^۶؛ «و سزای یک بدی بدی‌ای مانند آن است» و از سوی دیگر به معنای «خودبزرگ‌بینی» نیست، بل به معنای تظاهر به آن برای تنبیه و اصلاح متکبران است

۱. گفتار ۱۰۶، فقره ۳

۲. الحجرات / ۱۱

۳. الأعراف / ۱۲

۴. تنبیه الخواطر ونزهة النواظر لابن أبي فراس، ص ۲۰۹

۵. ص ۱۹۱

۶. طبقات الشافعية الكبرى للسبكي، ج ۶، ص ۳۵۴

۷. الشوری / ۴۰



که گونه‌ای احسان محسوب می‌شود و خداوند فرموده است: **﴿مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾**^۱؛ «بر احسان کنندگان راهی (به مؤاخذه) نیست و خداوند آمرزنده‌ای مهربان است»؛ همچنانکه فرموده است: **﴿كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ﴾**^۲؛ «این گونه خداوند بر هر قلب متکبر جباری مهر می‌نهد»، در حالی که تکبر متقابل و مصلحتی در قلب نیست، بلکه تنها در ظاهر است و با این وصف، مشمول وعید خداوند و پیامبرش درباره‌ی **﴿كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ﴾** و **﴿مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَزْدَلٍ مِنْ كِبَرٍ﴾** نمی‌شود؛ خصوصاً هرگاه خودداری از آن، به تثبیت یا تشدید تکبر متکبران یاری رساند؛ چراکه در این صورت، اعانت بر اثم و عدوان محسوب می‌شود و جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾**^۳؛ «و یکدیگر را بر گناه و زیاده‌روی اعانت نکنید» و این دلیل بر وجوب تظاهر به تکبر در برابر متکبران در چنین صورتی است، مشروط به اینکه با کارهای دیگری مانند توهین و تهمت آمیخته نشود؛ چراکه این قبیل کارها مطلقاً حرامند و با تکبر متکبران حلال نمی‌شوند.

اما «عزت» در کتاب خداوند به دو گونه است: یکی **﴿الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾**؛ «عزت در گناه» که با «تکبر» قرابت دارد و معادل «غرور» است؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾**^۴؛ «و چون به او گفته می‌شود که از خداوند بترس او را عزت در گناه می‌گیرد، پس جهنم برای او بس است و چه بد جایگاهی است» و فرموده است: **﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ﴾**^۵؛ «بل کسانی که کافر شدند در عزت و عنادی هستند» و دیگری به معنای «وجهه»، «احترام» و «تشخص» که با «شرافت» در زبان عربی قرابت دارد؛ چنانکه فرموده است: **﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عَنْدهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾**^۶؛ «کسانی که کافران را دوستانی به جای مؤمنان می‌گیرند، آیا نزد آنان عزت می‌جویند؟! حال آنکه عزت همه برای خداوند است» و فرموده است: **﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾**^۷؛ «هر کس عزت می‌خواهد، پس عزت همه برای خداوند است» و فرموده است: **﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾**^۸؛ «و عزت برای خداوند و برای پیامبرش و برای مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند» و از اینجا دانسته می‌شود که «عزت» به معنای دوم نکوهیده نیست، بلکه برازنده‌ی مؤمنان است؛ همچنانکه به معنای نخست نیز هرگاه در برابر کافران و از طریق گفتار و رفتاری تکبرآمیز به منظور شکستن غرور آنان و ترساندنشان از شکوه اسلام و اقتدار مسلمانان باشد،

۱. التوبة / ۹۱

۲. غافر / ۳۵

۳. المائدة / ۲

۴. البقرة / ۲۰۶

۵. ص / ۲

۶. النساء / ۱۳۹

۷. فاطر / ۱۰

۸. المنافقون / ۸

اشکالی ندارد؛ چنانکه خداوند در وصف بندگان محبوبش فرموده است: ﴿أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۱؛ «در برابر مؤمنان فروتن و در برابر کافران عزتمندند» و این گواه دیگری بر جواز تکبر در برابر متکبران محسوب می‌شود.

حاصل آنکه «تکبر» به معنای «خودبزرگ‌پنداری» مطلقاً جایز نیست، ولی تظاهر به آن در برابر کافران و متکبران بدون داشتن آن در قلب اشکالی ندارد، بلکه گاهی واجب است. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی «تکبر» و منشأ و تبعات آن در میان مسلمانان خصوصاً اهل علم، قدرت و ثروت، به کتاب «بازگشت به اسلام»^۲ مراجعه کنید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری

